




تحول در اولویت‌های راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: از راهبرد «نه شرقی، نه غربی» تا «نگاه به شرق»

فرشاد رومی *

استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
roomi@scu.ac.ir

چکیده

با پیروزی انقلاب اسلامی درک تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی ایران از روابط بین‌الملل متحول شد و نفی سلطه بیگانگان به مؤلفه اصلی در تدوین سیاست خارجی تبدیل شد. نوع نگاه حکومت به نظام بین‌الملل در اصل محوری «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» تجلی یافت. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از دیدگاه و چارچوب نظری نواواقع‌گرایان به دنبال یافتن پاسخ دو پرسش پژوهشی زیر است: ۱. چه عواملی به دگرگونی نگرش جمهوری اسلامی از اصل «نه شرقی، نه غربی»، به راهبرد «نگاه به شرق» منجر شدند؟ ۲. چگونه این عوامل بر دگرگونی راهبردی در سیاست خارجی ایران تأثیرگذار بودند؟ در فرضیه پژوهشی استدلال می‌شود که شرایط خودیاری نوینی که با دگرگونی ساختار نظام بین‌الملل پس از فروپاشی شوروی پدید آمد، سبب شد تا ایران در راهبرد سیاست خارجی رفته‌رفته بازنگری کند، و به جای سیاست نفی رابطه با قدرت‌های جهانی مبتنی بر اصل «نه شرقی، نه غربی»، به راهبرد «ائتلاف یا اتحاد با شرق» روی آورد. با رویکردی کیفی و با استفاده از روش تحلیل رویدادها و شواهد تاریخی پس‌انقلاب که در آثار تحلیل‌گران مسائل سیاست خارجی ایران و نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل تبیین شده‌اند، تأثیر تحولات ساختاری در نظام بین‌الملل بر میزان پایداری ایران به اصل «نه شرقی، نه غربی» در سیاست خارجی در مقاطع تاریخی مختلف بررسی خواهند شد؛ به‌ویژه بر سه سیاست (انقلابی‌گری متعادل، امت‌گرایی حمایت از مسلمانان و جنبش‌های رهایی‌بخش، عمل‌گرایی و «نگاه به شرق» با پایان نظام جهانی دوقطبی) تأکید خواهد شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در دیپلماسی و سیاست خارجی باید از مزایای نسبی تمام کشورها و قدرت‌های جهانی بهره برد، همچنان‌که در اقتصاد جهانی نیز بر این اصل تأکید می‌شود. بی‌شک هر تحولی در سیاست شرقی ایران مستلزم برقراری روابط متعادل با غرب است، وگرنه این تهدید امنیتی وجود دارد که ایجاد وابستگی یکسویه به شرکای شرقی به انتخاب‌های محدود در روابط خارجی ایران منتهی شود. از این رو ایران باید با همه دولت‌های شرقی و غربی بر پایه احترام متقابل و منافع مشترک همکاری کند.

واژه‌های کلیدی: ایران، راهبرد سیاست خارجی، «نه شرقی، نه غربی»، نگاه به شرق، منافع ملی

* استناد: رومی، فرشاد. (۱۴۰۲، بهار) «تحول در اولویت‌های راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: از راهبرد نه شرقی، نه غربی، تا نگاه به شرق»، فصلنامه سیاست، ۵۳، ۱: ۱۶۱-۱۳۵، DOI: 10.20209.JPQ.2023.350893.1008013
تاریخ دریافت: ۳۰ مهر ۱۴۰۱، تاریخ بازنگری: ۲۷ دی ۱۴۰۱، تاریخ تصویب: ۴ اردیبهشت ۱۴۰۲، تاریخ انتشار: ۲۴ خرداد ۱۴۰۲



۱. مقدمه

وضعیت ممتاز تاریخی، جغرافیایی و اقتصادی ایران در سده‌های اخیر زمامداران این سرزمین را بر آن داشته است تا برای حفظ یکپارچگی و منافع کشور در روابط خارجی راهبرد توازن در برابر قدرت‌های جهانی را در پیش بگیرند. بر این اساس، تلاش شده است تا از راه برقراری روابط نزدیک با یک دولت خارجی، شرایط برای پیشگیری از زیاده‌طلبی‌های سایر دولت‌ها فراهم شود. در این زمینه سیاست نگاه به شرق یا غرب و یا نفی آنها، جهت‌گیری‌هایی هستند که گاهی در دستور کار حاکمان این سرزمین قرار گرفته است. از مهم‌ترین اهداف و شعارهایی که در دوران مبارزه علیه رژیم پهلوی مطرح می‌شد، شعار «نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی» بود که در کنار شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» زیربنای فکری نظام جمهوری اسلامی را تشکیل دادند. اصل «نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی» با استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران مطابق اصل ۱۵۲ قانون اساسی به‌عنوان راهنمای عمل و یکی از محورهای سیاست خارجی پذیرفته شد.

از نظر تاریخی، «گفتمان نه شرقی نه غربی» در شرایطی مطرح شد که نظام دوقطبی بر مناسبات جهانی حکمفرما بود و کشورهای کوچک و بزرگ برای حفظ استقلال و بقای خود گزینه‌ای جز تمسک به یکی از دو ابرقدرت نداشتند. رهبران انقلاب جوان ایران این شرایط را ستمگرانه و در راستای حفظ منافع دولت‌های ظالم می‌دانستند، و دو ابرقدرت وقت را نشانه استکبار جهانی می‌نامیدند که حقوق ملت‌های ضعیف را تباه می‌کنند. از این رو انقلابیون ایران نه تنها نزدیکی به هریک از ابرقدرت‌ها را جایز نمی‌دانستند، بلکه برای تغییر نظم ظالمانه حاکم بر نظام بین‌الملل احساس مسئولیت می‌کردند. اگرچه در گذر زمان این رویکرد حکومت اسلامی ایران دچار تعدیل شد.

پژوهش حاضر با بهره‌گیری از دیدگاه و چارچوب نظری نواقح‌گرایان به دنبال یافتن پاسخ دو پرسش پژوهشی زیر است: ۱. چه عواملی به دگرگونی نگرش جمهوری اسلامی از اصل «نه شرقی، نه غربی»، به راهبرد «نگاه به شرق» منجر شدند؟ ۲. چگونه این عوامل بر دگرگونی راهبردی در سیاست خارجی ایران تأثیرگذار بودند؟ در فرضیه پژوهشی استدلال می‌شود که شرایط خودپاری نوینی که با دگرگونی ساختار نظام بین‌الملل پس از فروپاشی شوروی پدید آمد، سبب شد تا ایران در راهبرد سیاست خارجی رفته‌رفته بازنگری کند، و به جای سیاست نفی رابطه با قدرت‌های جهانی مبتنی بر اصل «نه شرقی، نه غربی»، به راهبرد «ائتلاف یا اتحاد با شرق» روی آورد. در واقع، با تشدید دشمنی امریکا و هم‌پیمانانش در قبال ایران، جمهوری اسلامی از شعار «نه شرقی، نه غربی» به گفتمان دیگری رسید، و تلاش کرد برای حفظ بقا و هویت سیاسی‌اش که در دشمنی با هژمونی غرب شکل گرفته است، با نزدیک شدن به برخی

کشورهای ناراضی از یکجانبه‌گرایی غرب در برابر فشارهای نظام بین‌الملل که ویژگی بارز آن استیلاي ایالات متحده است، ایستادگی کند. با رویکردی کیفی و با استفاده از روش تحلیل رویدادها و شواهد تاریخی پسانقلاب که در آثار تحلیلگران مسائل سیاست خارجی ایران و نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل تبیین شده‌اند، تأثیر تحولات ساختاری در نظام بین‌الملل بر میزان پابندی ایران به اصل «نه شرقی، نه غربی» در سیاست خارجی در مقاطع تاریخی مختلف بررسی خواهند شد؛ به‌ویژه بر سه سیاست (انقلابی‌گری متعادل، امت‌گرایی حمایت از مسلمانان و جنبش‌های رهایی‌بخش، عمل‌گرایی و «نگاه به شرق» با پایان نظام جهانی دوقطبی) تأکید خواهد شد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در دیپلماسی و سیاست خارجی باید از مزایای نسبی تمام کشورها و قدرت‌های جهانی بهره برد، همچنان‌که در اقتصاد جهانی نیز بر این اصل تأکید می‌شود. بی‌شک هر تحولی در سیاست شرقی ایران مستلزم برقراری روابط متعادل با غرب است، وگرنه این تهدید امنیتی وجود دارد که ایجاد وابستگی یکسویه به شرکای شرقی به انتخاب‌های محدود در روابط خارجی ایران منتهی شود. از این رو ایران باید با همه دولت‌های شرقی و غربی بر پایه احترام متقابل و منافع مشترک همکاری کند. در این نوشتار نخست به پیشینه پژوهش و چارچوب نظری پرداخته می‌شود. سپس به تبیین و چگونگی شکل‌گیری سیاست خارجی انقلابی در نظام بین‌الملل دوقطبی که از آن با عنوان راهبرد «نه شرقی، نه غربی» یاد می‌شود، اشاره شده است. در ادامه به تحولات و فراز و فرود این راهبرد و سیر هژمونی یافتن سیاست جدید «نگاه به شرق» پرداخته می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

از جمله مقاله‌های مرتبط با موضوع پژوهش می‌توان به آثاری همچون «راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: دیدگاه‌ها، زمینه‌ها و فرصت‌ها» (آدمی، ۱۳۸۹)، «شکندگی همکاری در فضای هژمونیک و نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» (حاجیلو، ۱۳۹۶)، «تحلیلی راهبردی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: با تأکید بر نگاه به شرق و سازمان همکاری شانگهای» (برزگر و آدمی، ۱۳۸۹)، «گزینه‌های ایران در روابط خارجی بر پایه سیاست نگاه به شرق» (شفیعی و صادقی، ۱۳۸۹)، «پیامدهای سیاسی - اقتصادی توسعه روابط ایران و چین در چارچوب نگاه به شرق» (اختیاری و صالحی، ۱۳۹۷)، «روابط ایران و چین در دوره احمدی‌نژاد: سیاست نگاه به شرق و تأثیرات ساختاری» (ارغوانی‌پیرسلاهی، ۱۳۹۴) و «سیاست خارجی دولت موقت: از عدم تعهد تا اصل نه شرقی، نه غربی» (میرفخرایی، ۱۳۹۳) اشاره کرد. با وجود انجام پژوهش‌های ارزنده، پرداختن به سیاست خارجی و راهبرد نگاه به

شرق، عرصه‌ای جذاب برای پژوهشگران است. اگرچه این مقاله برخی همسانی‌ها با پژوهش‌های انجام‌گرفته دارد، اما وجه تمایز آن این است که سیر منطقی هژمونیک شدن گفتمان نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران را با نگاهی نقادانه تا به امروز تحلیل و تبیین می‌کند. این در حالی است که آثار پیشین بیشتر به نتایج و دستاوردهای این سیاست اشاره کرده‌اند.

۳. چارچوب نظری: نواقح گرای

نظریه نواقح‌گرایی^۱ بسیاری از مفروضه‌های رئالیسم کلاسیک، مانند دولت‌محوری، مبارزه مستمر بر سر قدرت و عاقل بودن دولت‌ها را می‌پذیرد، اما برخلاف واقع‌گرایی استدلال می‌کند ریشه جنگ و صلح نه در سرشت انسان و ماهیت کشورها، بلکه در ساختار نظام بین‌الملل نهفته است. موضوع اثرگذاری نظام بین‌الملل بر طرز رفتار کشورها و اثرپذیری دولت‌ها از نظام بین‌الملل را کنت والتز^۲ در نظریه نواقح‌گرایی، ارائه کرد (بصیری و شیخ‌حسینی، ۱۳۹۱: ۱۶۶). از دیدگاه نواقح‌گرایان نظام بین‌الملل شامل دو بخش کارگزار^۳ و ساختار^۴ است. کارگزاران نظام بین‌الملل همان بازیگران عمده یا حکومت‌ها هستند. ساختار نیز معنایی ذهنی و انتزاعی دارد و از کنش و واکنش دولت‌ها آشکار می‌شود؛ سپس به رفتار دولت‌ها سامان می‌بخشد و آنها را در رفتار خارجی خود با دشواری‌ها و پیشامدهای ناگوار روبه‌رو می‌سازد. به باور والتز، ساختار نظام بین‌الملل علت اصلی رفتار دولت‌هاست. ساختار نظام بین‌الملل افزون‌بر اثرگذاری بر رفتار دولت‌ها با اعمال محدودیت‌هایی بر آنها، روندها و پیوندهای جهانی را شکل می‌دهد. بر این اساس، بسته به نوع ساختار حاکم بر نظام بین‌الملل منش و روش دولت‌ها در سیاست خارجی متفاوت خواهد بود (حاجی‌بوسفی، ۱۳۸۱: ۱۰۱۶).

به‌طور کلی در نواقح‌گرایی ساختار نظام بین‌الملل شرایط محدودکننده‌ای برای کارگزار فراهم می‌سازد، و کارگزار ناگزیر است بر پایه قواعد ساختار رفتار کند. کشورها برای ایجاد موازنه، چاره‌ای جز پذیرش محدودیت‌های ساختاری نخواهند داشت. با این طرز تلقی باید گفت نواقح‌گرایی یک نظریه جبرگراست که سیاست خارجی را در چنبره جبر ساختاری نظام بین‌الملل می‌داند و ارزش اندکی برای متغیرهای داخلی و ویژگی‌های ملی و هویتی دولت‌ها در سیاست خارجی قائل است (بصیری و شیخ‌حسینی، ۱۳۹۱: ۱۶۶). اگرچه در بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نمی‌توان تنها به یکی از نظریه‌های روابط بین‌الملل رجوع کرد، اما نظریه نواقح‌گرایی نسبت به سایر نظریه‌ها توان بیشتری برای تحلیل سیاست خارجی ایران

1. Neorealism
2. Kenneth Waltz
3. Agent
4. Structure

دارد، زیرا نواقع‌گرایان نقش نظام بین‌الملل در روابط خارجی ایران را تعیین‌کننده می‌دانند (سجادپور، ۱۳۸۳: ۶۴-۶۲). پس می‌توان این نظریه را برای تحلیل سیاست خارجی ایران به کار بست، ولی نباید توقع داشت همه رفتارهای یک حکومت دینی در نظام جهانی را تبیین کند. بلکه می‌توان از مفاهیم و مفروض‌های این نظریه برای تحلیل سیاست خارجی ایران در دوره‌های معین و شرایط خاص بهره برد. با وجود این، کاربست نظریه واقع‌گرایی ساختاری در تبیین، تحلیل و دگرگونی مفهومی اصل «نه شرقی، نه غربی» در سیاست خارجی ایران به دو شیوه امکان‌پذیر است. در روش نخست، می‌توان مطابق با متغیرهای محوری در سیاست خارجی از منظر نواقع‌گرایی به تحلیل این اصل در سیاست خارجی ایران پرداخت. مهم‌ترین مؤلفه، ساختار نظام بین‌الملل است که با کمک آن به تحلیل جایگاه «نه شرقی، نه غربی» در سیاست خارجی ایران پرداخته می‌شود. در حالت دوم می‌توان ضمن تعهد به مفروض‌های واقع‌گرایی ساختاری با رویکردی تاریخی به تحلیل جایگاه «نه شرقی، نه غربی» در سیاست خارجی ایران اشاره کرد. نگارنده برای ارائه تصویر واضح‌تری از مسئله پژوهش، با رویکرد تاریخی به تبیین اصل «نه شرقی، نه غربی» در سیاست خارجی می‌پردازد.

۴. نظام بین‌الملل دوقطبی؛ آغازی بر شکل‌گیری اصل «نه شرقی، نه غربی»

در نظام بین‌الملل دوقطبی درگیری و رقابت میان آمریکا و شوروی جریان داشت و سیاست خارجی سایر دولت‌ها تحت تأثیر ساختار دوقطبی بود. در این نظام همکاری‌ها میان دولت‌های غرب آسیا و نیز میان دولت‌های منطقه با یکی از دو ابرقدرت شکل می‌گرفت. ایران نیز مشابه سایر کشورهای غرب آسیا وارد ائتلاف‌های منطقه‌ای شد. از یک سو، ژاندارم و هم‌پیمان آمریکا در خلیج فارس بود و از سوی دیگر، در گروه‌بندی منطقه‌ای جزء رژیم‌های محافظه‌کار به‌شمار می‌رفت. با سقوط سلطنت پهلوی، نظام دوقطبی همچنان بر سیاست بین‌الملل حاکم بود، اما جمهوری اسلامی سیاست خارجی خود را بر پایه اصل «نه شرقی، نه غربی» بنیان نهاد و کوشید استقلال خود از قدرت‌های جهانی و پایبند نبودن به آنها را به دیگران نشان دهد (رومی، ۱۳۹۹ الف: ۱۴۷). در ادامه، به تبیین اصل «نه شرقی، نه غربی» در سیاست خارجی ایران در سه دوره تاریخی پرداخته می‌شود. نظریه نواقع‌گرایی تأثیر تحولات ساختاری در نظام بین‌الملل بر میزان پایبندی به اصل «نه شرقی، نه غربی» در سیاست خارجی ایران را توضیح می‌دهد.

۴. ۱. دولت موقت؛ انقلابی‌گری متعادل در سیاست خارجی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای لیبرال‌های ملی‌گرا که دولت موقت را در اختیار گرفتند، شعار نه شرقی نه غربی، مفهومی «سرتاسر ملی و تدافعی» داشت و منظور از آن کسب استقلال فراگیر در مقابل بیگانگان و ابرقدرت‌ها و نبود وابستگی به شرق و غرب عالم از جنبه سیاسی، اقتصادی و نظامی و ایدئولوژیکی بود. به باور مهدی بازرگان استقلال سیاسی ایران نه با ستیزه‌گری علیه امریکا و شوروی، بلکه با همزیستی مسالمت‌آمیز توأم با احترام متقابل و رابطه غیرمتعهدانه با آنان میسر است. در واقع، تفسیر بازرگان از شعار «نه شرقی، نه غربی» سازگار با راهبرد «عدم تعهد» بود که در دوران زمامداری مرحوم محمد مصدق از آن با عنوان «موازنه منفی» یعنی کسب استقلال از راه خاتمه دادن به سیطره بریتانیا و روسیه یاد می‌شد. بنابراین جهت‌گیری سیاست خارجی ایران پس از انقلاب از اتحاد و ائتلاف با غرب در رژیم شاهنشاهی، به «عدم تعهد» در دولت بازرگان تغییر پیدا می‌کرد (دهقانی‌فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۳۳۰-۳۴۰).

به‌طور کلی، اولویت نخست دولت موقت، پایان دادن به اتحاد رژیم شاه با ایالات متحده و استوار ساختن مناسبات دو کشور بر پایه «برابری» بود. به بیان دیگر، دولت موقت درصدد قطع روابط با امریکا نبود، بلکه به دنبال احیای رابطه با معیارهای نوین بود (رمضانی، ۱۳۹۵: ۶۰). از این‌رو عمل‌گرایی دولت موقت سبب شد تا با اتخاذ راهبرد عدم تعهد، تنها پاره‌ای از مطالبات و توقعات جناح مذهبی حکومت در حوزه سیاست خارجی محقق شود، اما تمایل دولت موقت به سوی غرب و تردید در برقراری روابط نزدیک با اتحاد جماهیر شوروی تحقق این جهت‌گیری را با چالش‌هایی روبه‌رو ساخت. این برداشت ناسازگار با سایر گروه‌های سیاسی در کنار چالش‌های پیش روی دولت موقت در نهایت موجب شد تا با وزش نخستین بادهای انقلابی و اشغال سفارت امریکا، این بنا فرو ریزد و عمر ۲۷۵ روزه دولت موقت پایان یابد (میرفخرایی، ۱۳۹۳: ۸۰).

۲.۴. انقلابیون مذهبی؛ بازگشت به اصل «نه شرقی، نه غربی»

سیاست خارجی انقلابیون مذهبی که در واکنش به سیاست تعدیل‌سازی دولت موقت شکل گرفته بود، به احیا و بازگشت به اصل «نه شرقی، نه غربی» چرخش یافت. آنها از سیاست «نه شرقی، نه غربی» برداشتی آرمان‌خواهانه و انقلابی داشتند که از مبانی دینی نفی سلطه بیگانه و قاعده نفی سبیل پیروی می‌کرد و در آن استقلال سیاسی در اولویت قرار داشت. انقلابیون مذهبی اصل «نه شرقی نه غربی» را نفی مناسبات و نزدیکی به دو بلوک شرق و غرب تفسیر و بر جنبه‌های ضداستکباری و ضدامپریالیستی آن نیز تأکید می‌کردند. در واقع، هدف انقلابیون از شعار «نه شرقی، نه غربی»، افزون‌بر پافشاری بر نبود وابستگی به دو ابرقدرت دوران جنگ سرد، مقابله با آنها نیز بود. انقلابیون مذهبی بر این باور بودند «نه شرقی نه غربی، جمهوری

اسلامی»، برعکس جهت‌گیری عدم تعهد، رویکردی دفاعی و واکنشی ندارد، بلکه با روشی تهاجمی و پرحرارت در برابر گردن‌کشی شرق و غرب مبارزه می‌کند (نوازی، ۱۳۸۴: ۷۰-۶۵). همین نگرش به «اصل نه شرقی، نه غربی» بود که بخش مذهبی نظام را تشویق کرد تا مدعی شود با اتخاذ یک سیاست خارجی مستقل، بانی جریان سومی در نظام بین‌الملل خواهند بود که دوقطبی بودن جهان را بشکند و جمهوری اسلامی را به‌عنوان قطب سوم مطرح خواهند کرد.

در مجموع، سال‌های نخستین انقلاب اسلامی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی تا اندازه زیادی بی‌توجه به عرف و روال ساختاری نظام بین‌الملل عمل می‌کرد، و برخلاف نظریه والتز، نظام دوقطبی در شکل‌دهی و تعیین سیاست خارجی ایران نقش چندانی نداشت. جمهوری اسلامی برای پیشبرد سیاست خارجی از ابزارهای متعارف در روابط بین‌الملل مانند راهبرد اتحاد و ائتلاف با یک ابرقدرت در مقابل ابرقدرت دیگر که برپایه نظریه نواقع‌گرایی یک ضرورت ساختاری بود، بهره نبرد. ایران به مخالفت با حکومت‌های حاشیه خلیج فارس به‌عنوان متولیان اسلام امریکایی پرداخت. دشمنی با امریکا و اسرائیل در باور مسئولان سیاست خارجی ایران موجب شد تا ایران بدون بهره‌مندی از فرصت‌های مرسوم در نظام جهانی دوقطبی به سیاست مقابله‌جویانه در منطقه روی آورد (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۱: ۱۰۲۳).

اتخاذ رویکرد امت‌گرای صدور انقلاب و حمایت از مسلمانان و جنبش‌های رهایی‌بخش، ضمن ایجاد سوءظن و بدگمانی در ابرقدرت‌ها، موجب هراس و تشویش در دولت‌های محافظه‌کار و غیردموکراتیک منطقه شد و موجبات فشار بر ایران را فراهم آورد. در جنگ هشت‌ساله ایران و عراق رهبران ایران دریافتند که نمی‌توانند همزمان در همه حوزه‌ها به مبارزه با نظام ناعادلانه جهانی بپردازند. در نهایت این سیاست که بر پایه رویارویی با دو ابرقدرت، بدون پشتیبانی سایر دولت‌ها بود، دستاورد چشمگیری نداشت و به‌سبب توانایی‌ها و توانمندی‌های اندک ایران، این کشور نتوانست نظم موردنظر خود در منطقه را از مسیر مبارزه‌جویی به‌دست آورد (احتشامی، ۱۳۸۷: ۷۵).

۳.۴. فروپاشی نظام دوقطبی و تحول در اصل «نه شرقی، نه غربی»

با انحلال اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱ ساختار دوقطبی فروپاشید و توزیع قدرت در نظام بین‌الملل دچار دگرگونی شد. از دیدگاه نواقع‌گرایان تغییر قطب‌بندی بر رفتار واحدهای سیاسی و شیوه تعامل آنها تأثیر بسزایی دارد. همچنان‌که شاهد بودیم با فروپاشی نظام دوقطبی بسیاری از کشورهایی که پیشتر به بلوک شرق تعلق داشتند، گزینه‌ای به‌جز قبول دموکراسی لیبرال غربی نداشتند. در همین حال، شرایط کشوری همچون ایران که خود را در رویارویی و ستیز با ابرقدرت پیروز در جنگ سرد قرار داده بود، دشوارتر شد، زیرا جمهوری اسلامی بر

پایه مبانی ایدئولوژیک و آرمان‌های خود برقراری نظام تک‌قطبی را مطلوب و مقبول نمی‌دانست.

در دوره‌ای که نظام دوقطبی حاکم بود، جمهوری اسلامی برخلاف انتظار و پیش‌بینی نواقح‌گرایان به دوری جستن از نظام بین‌الملل در راستای اصل «نه شرقی، نه غربی» روی آورد. با پایان نظام دوقطبی سیاست خارجی ایران دچار تحول شد. شرایط نوینی که به دنبال پیدایش ساختار تک‌قطبی پدید آمد، ایجاب می‌کرد جمهوری اسلامی در روابط خارجی خود مسیر تازه‌ای را برگزیند و به‌جای راهبرد «نه شرقی، نه غربی» به جهت‌گیری اتحاد و ائتلاف توسل جوید. در واقع، ایران بر حَسَب اجبار به قیدوبندهای نظم بین‌المللی تن در داد. اگرچه مخالفت با هژمون ادامه یافت و ایران تلاش کرد برای پیشبرد آرمان‌ها و اهداف سیاست خارجی خود به همکاری با دولت‌های مخالف نظام تک‌قطبی مانند روسیه روی آورد. محکوم کردن اشغال کویت از سوی عراق در ۱۹۹۱ و همچنین سیاست عمل‌گرایانه ایران در قبال کشورهای تازه استقلال‌یافته از شوروی را می‌توان نشانه‌هایی از تغییر در سیاست خارجی ایران در پرتو شرایط متحول‌شده نظام بین‌الملل دانست (احتشامی، ۱۳۸۷: ۶۵-۶۶).

از سوی دیگر، یکی از نتایج تغییر نظام دوقطبی در غرب آسیا آن بود که بسیاری از هم‌پیمانان پیشین شوروی برای حفظ بقا و تأمین امنیتشان به‌سوی امریکا گرویدند. اما به‌دلیل فقدان رقیب راهبردی برای تک‌قطب، کشورهای کوچک خاورمیانه باید تلاش زیادی می‌کردند تا تک‌قطب از آنها به‌عنوان هم‌پیمان راهبردی پشتیبانی کند. این الزام سبب شد تا قاعده بازی و ائتلاف‌ها و اتحادها در منطقه وارد مرحله نوینی شود. برای نمونه پس از پایان نظام دوقطبی کم‌کم تشریک‌مساعی جای مخالفت و ستیز در حل خصومت میان اعراب و اسرائیل را گرفت (حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۱: ۱۰۲۰). تا جایی که امروزه برخی از دولت‌های عربی با رژیم صهیونیستی علیه ایران هم‌پیمان شدند.

در همین نظام تک‌قطبی است که با طرح پرونده فعالیت‌های صلح‌آمیز اتمی ایران در مجامع بین‌المللی، چالشی تازه در روابط خارجی ایران شکل می‌گیرد. متهم کردن ایران به تلاش برای ساخت بمب اتمی و تبدیل پرونده اتمی ایران از موضوع فنی و حقوقی به بحرانی امنیتی و رفتن به شورای امنیت حکایت از آن داشت که قدرت‌های جهانی بار دیگر درصدد فشار به جمهوری اسلامی برای پذیرش قواعد حاکم بر نظام بین‌الملل هستند. بدین‌سان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده به‌عنوان تک‌قطب حاکم بر نظام بین‌الملل رودرروی یکدیگر قرار گرفتند. در واقع، می‌توان مسئله هسته‌ای ایران را از مهم‌ترین اختلافات ساختار نظام بین‌الملل با جمهوری اسلامی عنوان کرد (بصیری و شیخ‌حسینی، ۱۳۹۱: ۱۷۵).

پیامد این فشارها و محدودیت‌ها آن بود که ایران تا اندازه‌ای به الزامات ساختاری نظام بین‌الملل تن در دهد، و ناگزیر به سمت بازنگری در بخشی از سیاست خارجی خود برود و به سیاست متعارفی که لازمه ساختار نوین نظام بین‌الملل بود، با احتیاط نزدیک شود. بدین معنی که ایران به راهبرد مرسوم اتحاد و موازنه به کمک روسیه و چین برای تقابل با قدرت هژمون توسل جست. جمهوری اسلامی می‌بایست راهبردی را اتخاذ می‌کرد که بتواند مشارکت راهبردی با مسکو و پکن داشته باشد. ایران به همیاری و پشتیبانی روسیه نیاز داشت تا بتواند به قواعد جدید نظام بین‌الملل یعنی پیروی از تک‌قطب تن در ندهد. همان‌گونه که واقع‌گرایان ساختاری باور دارند که شرایط خودیاری جدید جمهوری اسلامی ایران را واداشت تا در رفتار خارجی خویش تغییر ایجاد کند و به جای راهبرد مبتنی بر اصل «نه شرقی، نه غربی» به سیاست ائتلاف یا اتحاد روی آورد. از این رو همکاری ایران با روسیه و چین و اتخاذ سیاست نگاه به شرق را باید ناشی از فروپاشی شوروی و پایان نظام دوقطبی دانست. همچنین مواضع بی‌طرفانه ایران در مقابل تهاجم امریکا به افغانستان و عراق نیز ناشی از تفوق امریکا در غرب آسیا تلقی می‌شود.

به طور کلی، در بررسی سیر تطور مفهومی اصل «نه شرقی، نه غربی» می‌توان از رویکرد نواقع‌گرایی برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بهره برد، اما نباید توقع داشت تمام عملکرد یک نظام سیاسی دینی در حوزه سیاست خارجی را تبیین کند. به عبارتی، نواقع‌گرایی عقلانیت حاکم بر سیاست خارجی نظام اسلامی ایران را محدود به عقل ابزاری مبتنی بر تحلیل هزینه - فایده می‌داند که تنها بر مبنای منطق نتیجه عمل می‌کند. این در حالی است که بسیاری از رفتارهای سیاست خارجی ایران از منطق ادای تکلیف مبتنی بر مصلحت پیروی می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۴۹-۵۰). در مجموع، با فروپاشی نظام دوقطبی راهبرد «نه شرقی، نه غربی» با بحران معنایی روبه‌رو شد و نیاز به بازسازی نظری و عملکردی سیاست خارجی ضرورت یافت. از این رو زین پس شاهد نقش‌آفرینی فعال‌تر جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل هستیم. در این رویکرد جدید جمهوری اسلامی در راستای سیاست خنثی‌سازی تهدیدهای غرب رفته‌رفته به سمت قدرت‌های مؤثر که به نوعی در مقابل دولت‌های غربی قرار داشتند و مخالف نظام تک‌قطبی بودند، گرایش پیدا می‌کند.

۵. نگاه به شرق؛ گذار به سوی راهبردی نوین

پس از فروپاشی اتحاد شوروی و تلاش ایالات متحده برای استقرار نظام نوین جهانی، جمهوری اسلامی بر پایه موازین و اصول اعتقادی خود نمی‌توانست با سازوکارها و قواعد نظم جدید بین‌المللی موافقت کند. به چالش کشیدن این نظام جدید منوط به تشکیل ائتلافی قوی

بود و همین مسئله ایران را به همکاری با دولت‌هایی کشاند که اغلب در دوران نظام دوقطبی در بلوک شرق قرار داشتند و اینک با هژمونی امریکا و نظام تک‌قطبی مخالف بودند. این‌گونه بود که آرزوی شکل‌گیری جهان چندقطبی با سازوکارهای عادلانه جمهوری اسلامی را به سوی شرق سوق داد (Hunter, 2010: 117). با گذر زمان و تشدید دشمنی امریکا و یارانش علیه ایران، گرایش به شرق در سیاست خارجی ایران را به یک اولویت راهبردی تبدیل کرد و نظام سیاسی ایران کوشید تا با نزدیکی به دولت‌هایی چون روسیه و چین در مقابل وضعیت موجود نظام بین‌الملل که ویژگی بارز آن استیلای غرب و ایالات متحده است، ایستادگی کند و اهداف و منافع ملی‌اش را تحقق بخشد. این‌گونه بود که سران جمهوری اسلامی با هدف دفاع از امنیت و هویت سیاسی خود و کاهش محدودیت‌ها و خنثی‌سازی اعمال مستکبرانه امریکا در منطقه، به‌جای اصل «نه شرقی، نه غربی»، راهبرد «نگاه به شرق» را برای دوری گزیدن از انزوا برگزیدند. از دیدگاه آنها نگاه به شرق توجه به کشورهای است که زیر سلطه غرب نیستند و طمع سلطه‌جویی بر ایران را ندارند. طرفداران این راهبرد قلمرو «شرق» را حوزه‌ای فراجغرافیایی و باورمند در برابر غرب توصیف می‌کنند. با این نگرش حتی مناسبات ایران با دولت‌های چپ‌گرای منطقه امریکای لاتین نیز در مدار نگاه به شرق می‌گنجد (رومی، ۱۳۹۹الف: ۳۱۱).

خیمه‌گاه راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی ایران بر روی چند ستون مانند چین، روسیه و هندوستان استوار است. آنها طی سال‌های اخیر روند قدرت‌گیری و ارتقای جایگاه خود را با سرعت پیموده‌اند. طرفداران نگاه به شرق معتقدند جمهوری اسلامی باید رویکردی بلندمدت نسبت به کشورهای بزرگ شرق اتخاذ کرد و در جهت بهره‌مندی بهینه از ظرفیت‌های کشورهای شرقی گام بردارد و امنیت و منافع ملی ایران را ارتقا دهد (صیادی و سنایی، ۱۳۹۶: ۸۵). از نگاه آنها کشورهای گنجانده‌شده در راهبرد نگاه به شرق در دادوستد با ایران برعکس دولت‌های غربی علاقه‌ای به در هم آمیختن موضوع‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ندارند و این فرصتی مغتنم برای تحقق منافع ملی ایران است.

بنابراین تعامل با شرق برای ایجاد موازنه در برابر غرب در اندیشه راهبردی جمهوری اسلامی جایگاه مهمی داشته، و در دولت‌های مختلف بروز و پیدایش خود را نمایان ساخته است. برای نمونه، در دولت سازندگی به‌سبب دشواری‌های پدیدآمده در رابطه با غرب، و نیاز کشور به همکاری‌های بین‌المللی برای بازسازی ویرانی‌های ناشی از جنگ تحمیلی، برقراری روابط نزدیک با روسیه، هندوستان و چین در دستور کار قرار گرفت. دولت هاشمی با وارث اتحاد جماهیر شوروی یعنی فدراسیون روسیه روابط دوستانه برقرار کرد و جایگاه روسیه در سیاست خارجی ایران به‌طور فزاینده رشد و نمو یافت. در حقیقت، ایران در رویارویی با

پیامدهای اقتصادی مهار غرب، رقابت تاریخی خود با روسیه را کنار گذاشت و آن را در سیاست نگاه به شرق خود در کنار چین، هندوستان و ... گنجانده. ضرورت دستیابی به فناوری اتمی، نیاز به جنگ‌افزارهای پیشرفته برای بهبود قدرت نظامی ایران پس از هشت سال جنگ با صدام و کاهش فشارهای ناشی از تحریم‌ها و محدودیت‌های امریکا در محیط پیرامونی موجب شد ایران برای بقا و امنیت خود در نظام نوین بین‌المللی به روسیه نزدیک شود (تقنی‌عامری و احدی، ۱۳۸۶: ۷۵-۷۶).

دولت سید محمد خاتمی نیز با آنکه تنش‌زدایی با غرب و دولت‌های اروپایی را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داده بود، میل و گرایش به سمت شرق هم داشت. در دولت اصلاحات با تأکید بر اشتراکات فرهنگی روابط حسنه با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز برقرار شد و توسعه روابط با روسیه ادامه یافت (آدمی، ۱۳۸۹: ۹۸). اگر از ابتدای انقلاب اسلامی تا پایان دولت خاتمی گرایش به شرق، راهبردی در سایه دیگر استراتژی‌های کلان حکومت بود، با پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات ۱۳۸۴ سیاست نگاه به شرق از سایه خارج و در سیاست خارجی به یک رویکرد راهبردی تبدیل شد. برخلاف دولت خاتمی که به دنبال بازسازی روابط ایران با غرب بود، احمدی‌نژاد و دولتش غرب و امریکا را یک خطر وجودی برای جمهوری اسلامی می‌دانستند. بنابراین حتی با تغییر رفتار ایران، توقع اصلاح رفتار غرب و برقراری روابط عادلانه موضوعی بی‌فایده تلقی می‌شد. پیامد چنین تفکری و افزایش فشارهای غرب بر سر پرونده اتمی ایران، شرایط روحی و روانی برای افزایش گرایش به شرق در روابط خارجی دولت احمدی‌نژاد را مهیا ساخت (حاجی‌یوسفی، ۱۳۹۱: ۴۰۸). در دوره احمدی‌نژاد تقابل ایران با ساختارهای مسلط با محوریت غرب و امریکا به بالاترین حد خود رسید، به گونه‌ای که به واسطه اجماع بین‌المللی علیه ایران نظامی سازمان‌یافته و چندلایه از تحریم‌ها علیه کشورمان شکل گرفت. پیامد بلافصل این وضعیت گرایش هرچه بیشتر ایران به شرق و روسیه و ارتقای جایگاه مسکو در سیاست خارجی ایران بود (رومی، ۱۳۹۹: الف: ۲۳۹).

با روی کار آمدن حسن روحانی و به دنبال مذاکرات فشرده در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ توافق هسته‌ای بین ایران و قدرت‌های جهانی حاصل شد. گمان می‌رفت دولت ایران پس از برجام و با هدف موازنه‌سازی در روابط خارجی به سوی غرب گرایش یابد و در نتیجه اعتبار و نفوذ دولت‌های شرقی در نزد دستگاه سیاست خارجی ایران تنزل یابد. به هر حال، رخدادهای آتی نشان داد که با برجام نیز اهمیت این دولت‌ها در سیاست خارجی ایران کاهش نیافته، و حتی جایگاه آنها در مقایسه با پیش از توافق اتمی ارتقا یافت تا جایی که برخی مقامات ایرانی از اتحاد راهبردی میان تهران و مسکو در مقابل امریکا و هم‌پیمانان منطقه‌ای او سخن گفتند (دهقانی فیروزآبادی و مرادی، ۱۳۹۴: ۸۳-۸۵). در واقع، در این دوره جایگاه روسیه در سیاست خارجی ایران متأثر از

ساختار نظام بین‌الملل و بنیان نظری سیاستگذاران جمهوری اسلامی نه تنها دچار آفت نشد، بلکه همبستگی و دوستی با مسکو در دولت روحانی عیان‌تر از دولت احمدی‌نژاد شد. افزون‌بر آن، فوریت‌های راهبردی چون توافق اتمی و تلاش برای حفظ آن و تنش‌های ژئوپلیتیکی همچون بحران سوریه و مخالفت مشترک با گسترش ناتو به شرق بر عوامل پیشین افزوده شد و به تثبیت جایگاه مسکو در سیاست خارجی ایران کمک کردند (رومی، ۱۳۹۹: ۶۰۳).

چین از دیگر بازیگران کلیدی در راهبرد نگاه به شرق است، که یک فرصت و پشتوانه راهبردی آسیایی در روابط ایران با دولت‌های غربی به‌شمار می‌آید. جهان‌بینی ایرانی دربرگیرنده یک هسته قوی ضدغربی متمرکز بر ایالات متحده است. برای بسیاری از مقامات ایران، نظم کنونی «دنیای پساغربی» است که در آن نه غرب و نه شرق دیگر برتری ندارند، بلکه چین در مرکز آن قرار دارد و ایران می‌تواند از آن بهره‌مند شود. جهان پساغربی مفهومی است که به بین‌المللی شدن آسیا، و تغییر سریع مرکز ثقل اقتصادی جهان به سمت شرق مربوط می‌شود. سران تهران پیدایش چین به‌عنوان یک قدرت نوپدید جهانی را به‌عنوان راه میانبری برای پیشرفت و رفاه خود پس از دهه‌ها رکود و تحریم می‌بینند. آنها همچنین چین را فرصتی تاریخی برای جدا کردن اقتصاد سیاسی خود از غرب زیر تسلط ایالات متحده تلقی می‌کنند (Ehteshami & Bahgat, 2019: 14-19). در واقع، ایران پیدایش چین به‌عنوان ابرقدرت را تغییری خوشایند در ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک جهانی قلمداد می‌کند. ایران از نظر تاریخی، برتری آسیا را به‌عنوان شرایط طبیعی‌تر محیط بین‌المللی تفسیر می‌کند. این کشور خود را به‌عنوان تقاطع طبیعی و مرکزی بین مناطق و دالان‌های مختلف ژئواکونومیک در جغرافیای نوین جاده ابریشم می‌بیند. همه اینها به ایران اجازه می‌دهد بر انزوای ژئوپلیتیکی و اقتصادی خود در نظم جهانی جدیدی که در آن چین دست بالاتر را دارد، پایان دهد (Forough, 2020: 22).

همچنین، دو کشور نسبت به امپریالیسم غربی و آنچه به‌عنوان «نظم هژمونیک امریکا» یاد می‌کنند، دشمنی و بی‌اعتمادی یکسانی دارند. حکومت چین با اقدامات اقتصادی یکجانبه امریکا علیه ایران، و همچنین استفاده از گزینه نظامی برای حل مناقشه اتمی ایران مخالف بوده است. همزمان، پکن با ایران مجهز به بمب اتم و هرگونه اقدام سران تهران که جریان آزاد نفت در تنگه هرمز یا باب‌المنندب را به خطر بیندازد، مخالفت کرده و برای دفاع از منافع اقتصادی خود در ایران همواره با دولت امریکا رایزنی می‌کند (Therme, 2019). در هر صورت با بالا گرفتن بحران هسته‌ای و رویه دیپلماتیک احمدی‌نژاد در مذاکرات اتمی و انزوای منطقه‌ای، در عمل ایران از نظر اقتصادی در مدار چین قرار گرفت. تجارت دوجانبه بین ایران و چین از ۶۰۰ میلیون دلار در ۱۹۹۹ به ۲۹ میلیارد دلار در ۲۰۰۹ افزایش یافت. در اواخر دهه ۲۰۰۰ چین

برای نخستین بار به شریک تجاری اصلی ایران تبدیل شد. به دنبال سفر رئیس‌جمهور چین به تهران در اوایل ۲۰۱۶ درباره توافقنامه دوجانبه گسترده ۲۵ ساله مذاکره شد و در نهایت در ۲۰۲۱ به امضا رسید. با وجود ملاحظات آغازین دولت روحانی در مورد چین، در نهایت دولت او بود که قرارداد «مشارکت راهبردی جامع» با چین را امضا کرد. در واقع، خروج ایالات متحده از برجام در ۲۰۱۸ تهران را مجبور ساخت به تلاش برای ایجاد تعادل در روابطش با چین و غرب پایان دهد (Ehteshami, 2022: 21-22). با وجود این مقامات، پژوهشگران و رسانه‌های چینی تاکنون اظهارنظر رسمی اندکی درباره رویکرد نگاه به شرق ایران داشته‌اند. چینی‌ها همیشه نگران هستند که رویکرد نگاه به شرق ایران یک گام مصلحت‌اندیشانه سیاسی است. از نظر کارشناسان چینی حتی اگر رویکرد نگاه به شرق ایران راهبردی بلندمدت نباشد، پکن تا زمانی که دستاوردهای اقتصادی این روابط بر هزینه‌هایش بچربد، باید به تعمیق روابط با تهران ادامه دهد (Fan, 2022: 52-54). وگرنه با توجه به نگاه اقتصادی محض در سیاست خارجی چین در منطقه غرب آسیا، باید توقع رفتار دیگری از پکن داشت.

درباره رابطه با هندوستان، تهران با وجود منافع گسترده مشترک در افغانستان و تحقق پروژه بندر چابهار، هرگز نتوانسته با این کشور اتحاد مستحکمی ایجاد کند. مهم‌ترین موانعی که شراکت تهران و دهلی‌نو را محدود ساخته، نفوذ ایالات متحده و نزدیکی هندوستان به عربستان سعودی و اسرائیل است. اگرچه هندوستان ایران را یک تهدید نمی‌داند، و ادعای آمریکا را که ایران بخشی از محور شرارت^۱ است رد می‌کند، روابط دشمنانه ایران و آمریکا همچنان مانعی مهمی در روابط دوجانبه است. البته بنا به اصل دائمی پیروی از منافع ملی، هندوستان نیز از کارت ایران در مذاکرات خود با واشنگتن استفاده کرده است (Therme, 2019). برای نمونه هندوستان در اجرای تحریم‌های بین‌المللی با ایالات متحده همکاری داشته است. در نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی اتمی علیه جمهوری اسلامی در سپتامبر ۲۰۰۵ و فوریه ۲۰۰۶ به ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت رأی موافق داد. چرایی این اقدام را باید در آرزوی هندوستان برای دستیابی به فناوری هسته‌ای غیرنظامی از راه ایالات متحده یافت که با تنش‌های ایران و ایالات متحده همزمان بود. با وجود تمایل هندوستان برای تأمین انرژی خود از ایران، این کشور در معرض فشارهای سیاسی واشنگتن در قالب تحریم‌های ضدایرانی زیر قانون ایسا^۲ قرار گرفت. به طوری که هندوستان تا نیمه ۲۰۱۹ واردات نفت از ایران را به طور کامل متوقف کرد (Kumaraswamy, 2020: 25). با شناخت نگرش هندوستان به ایالات

1. Axis of Evil
2. Iran Sanction Act (ISA)

متحده از یک سو، و جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر باید این اصل را در نظر گرفت که اگرچه هندوستان می‌تواند شریکی مناسب برای تأمین منافع اقتصادی و ملاحظات راهبردی ایران باشد، اما در شرایط تقابل ایران و امریکا به‌عنوان یک هم‌پیمان سیاسی تهران عمل نخواهد کرد (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۳۷).

در مجموع، جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه پس از خروج ترامپ از توافق اتمی برای جلوگیری از بن‌بست اقتصادی و تضمین بقای خود به‌طور فزاینده‌ای به شرکای آسیایی و روسیه تکیه کرد. این رویکرد نشان‌دهنده گسست ریشه‌ای با تفکر راهبردی پیشین ایران بر پایه اصل «نه شرقی، نه غربی» بود. اگرچه پیگیری یک سیاست خارجی مستقل همچنان به‌عنوان شاخص اصلی هویت انقلابی ایران اهمیت دارد، و تهران برای اثبات استقلال در سیاست خارجی، همواره از مواضع تند ایدئولوژیکی ضد امریکایی استفاده می‌کند (International Institute for Strategic Studies, 2018).

در مقابل، راهبرد «نگاه به شرق» فرصتی برای قدرت‌های نوپدیدار شده^۱ برای انجام طرح‌های اقتصادی خود از راه ایران ارائه می‌دهد. به‌عبارت دیگر، این راهبرد ایران در راستای چشم‌انداز راهبردی روسیه، چین و هندوستان عمل کرده است. این سه کشور برخلاف ایران تلاش کرده‌اند میان منافع ژئواکونومیک خود با دنیای غرب از یک سو و ایران از سوی دیگر توازن برقرار سازند (Saraswat, 2018). برای نمونه اولویت اصلی روسیه در همکاری با ایران، ثبات منطقه‌ای در فضای اتحاد جماهیر شوروی و نیز در سوریه است؛ خواسته هندوستان، استفاده از ظرفیت‌های ترانزیتی ایران و همکاری در زمینه امنیت انرژی است؛ چین نیز بر روابط اقتصادی خود با ایالات متحده و ادغام ایران در طرح بزرگ یک کمربند و یک جاده^۲ تمرکز کرده است. در نهایت، سه کشور همواره از همکاری با ایران به‌عنوان ابزاری برای چانه‌زنی در روابط دوجانبه خود با امریکا بهره برده‌اند (International Institute for Strategic Studies, 2018). روشن است جوهر و ماهیت فضای سیاسی حاکم بر نظام بین‌الملل، هم‌نشینی با قدرتمندان و سهل‌انگاری نسبت به حق و عدالت است.

۶. چالش‌های سیاست نگاه به شرق

سیاست نگاه به شرق تابع فضای عمومی، سیاست جهانی و شرایطی بوده که ایران در آن قرار گرفته است. در اوایل انقلاب، حکومت جدید به‌دنبال برهم زدن نظام بین‌الملل موجود بود. اما در پی حمله صدام در دهه ۱۹۸۰، ایران با محدودیت‌هایی روبه‌رو شد که بقای نظام را به خطر انداخت و سیاستمداران ناگزیر خود را با محدودیت‌های ساختاری سازگار کردند. در دهه

1. New (Emerging) Powers
2. The Belt and Road Initiative (BRI)

۱۹۹۰، جمهوری اسلامی تمایل به همگرایی در نظام بین‌الملل داشت. با این حال، تلاش‌های ناموفق برای تنش‌زدایی با غرب در دولت‌های هاشمی و خاتمی و نیز فشار اقتصادی دولت‌های غربی بر ایران، تهران را به دنبال همکاری راهبردی با رقبای امریکا کشاند (Heiran-Nia, 2022). با وجود این تجارب گذشته حکایت از آن دارد که ایران نتوانسته در کسب متحدی راهبردی در شرق توفیق یابد. به نظر می‌رسد از دلایل مهم نبود استقبال قدرت‌های مؤثر در حوزه شرق از این رویکرد جدید ایران آن بوده که این دولت‌ها نزاع هویتی و ایدئولوژیک با غرب نداشته و به دلایل مختلف (اغلب اقتصادی) از تقابل مستقیم با امریکا اجتناب ورزیده‌اند. از این رو رویکرد نگاه صرف به شرق در سیاست خارجی ایران با چالش‌هایی روبه‌روست که در ادامه به‌طور مختصر به آنها اشاره می‌شود:

الف) راهبرد نگاه به شرق زمانی از سوی ایران اتخاذ شده که همکاری‌های اقتصادی و تعاملات فرهنگی میان شرق^۱ و غرب در بالاترین سطح قرار دارد. این تصور که می‌توان از توانایی‌های دولت‌هایی مانند چین و هندوستان نه با هدف ایجاد توازن و خنثی‌سازی فشارهای غرب، بلکه برای مقابله و رویارویی با آن استفاده کرد، حکایت از نگاه آرمانی و غیرواقع‌بینانه به معادلات جهانی دارد. اگرچه ایران از نظر ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک جایگاهی ممتاز دارد و به مدد آن، جمهوری اسلامی به دنبال استفاده از توان شرق است، اما رقبای منطقه‌ای ایران نیز از ظرفیت کافی برای جذب و همکاری با دولت‌های شرقی برخوردارند و نباید نقش آنها را به یک نظاره‌گر غیرفعال کاهش داد (ارغوانی، ۱۳۹۴: ۳۰). برای نمونه ترکیه از شرکای مهم تجاری و سیاسی روسیه است؛ شرکت‌های روسی نقش فعال در صنعت نفت عراق دارند؛ مسکو روابط پیچیده، اما سازنده‌ای با اسرائیل دارد؛ در روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس به‌ویژه پس از توافق روسیه و عربستان سعودی درباره مدیریت بازار نفت و تشکیل اوپک پلاس^۲ عصر جدیدی آغاز شده است. از سوی دیگر، روسیه در غرب آسیا اهداف متنوع امنیتی، سیاسی و اقتصادی فراتر از روابط دوجانبه با یک بازیگر خاص را دنبال می‌کند. راهبرد روسیه در این منطقه از ابتدا مبتنی بر برقراری تعادل و روابط با همه دولت‌ها بوده است. همان‌گونه که تعامل با دولتی چون ایران که دارای تضاد منافع با امریکاست، برای مسکو مهم است، داشتن روابط نزدیک با حکام محافظه‌کار و دوستان امریکا نظیر آل‌سعود و اسرائیل نیز در دستور کار روسیه بوده است (Kojanov, 2016: 62-79). افزون بر این، روسیه به‌عنوان یک قدرت جهانی در مسائل مرتبط با امنیت بین‌الملل مانند پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای دارای منافع مشترک با

۱. یادآور می‌شود که روابط میان غرب و روسیه به‌عنوان یکی از کشورهای مطرح‌شده در سیاست نگاه به شرق ایران اکنون بر سر جنگ اوکراین دچار تنش است.

دولت‌های غربی است و جز همسویی گزینشی و مدت‌دار نباید توقع روابط راهبردی با این دولت داشت.

چین نیز برای برهم نخوردن مسیر توسعه اقتصادی، سیاست خارجی اقتصادمحور خود را بر رقابت‌های امنیتی و سیاسی ترجیح می‌دهد. ایران نه‌تنها در حوزه ژئوپلیتیک چین قرار ندارد، بلکه چینی‌ها گسترده‌ترین روابط اقتصادی را با کشورهای غربی و عربی منطقه دارند و سیاست انزوای ایران در سال‌های اخیر در راستای منافع آنها بوده است. از بُن اولیتهای و مقاصد سیاست خارجی ایران با اولیتهای سیاست خارجی چین همخوانی‌های راهبردی ندارد. روشن است که روابط دو کشور در خلأ شکل نمی‌گیرد، و بسیاری از رقبای منطقه‌ای ایران روابط اقتصادی و فرهنگی گسترده با چین دارند و تأمین‌کننده انرژی این کشورند، و چینی‌ها نیز سرمایه‌گذاری‌های وسیع در زیرساخت‌های آنها انجام داده‌اند. از این رو پکن علاقه‌ای به گرفتار شدن در بحران‌های غرب آسیا ندارد و هر اقدامی از سوی تهران که امنیت و ثبات منطقه را متزلزل کند، بر روابط دو کشور اثر منفی خواهد گذاشت (Ehteshami & Bahgat, 2019: 27-33).

مشارکت چین، روسیه و هندوستان با ایران و مخالفت با فشارهای اقتصادی و سیاسی امریکا بر ضد ایران را نباید ناشی از تمایل آنها برای تشکیل بلوکی ضدغربی دانست، بلکه در کنار اهداف اقتصادی، تجلی اراده این کشورها برای مستقل جلوه دادن خود در صحنه بین‌المللی و به چالش کشیدن سیاست‌های یکجانبه ایالات متحده است و روابط آنها با جمهوری اسلامی می‌تواند ابزار کم‌هزینه و حتی سودمندی برای دستیابی به این هدف باشد (Therme, 2019).

ب) جهت‌گیری نگاه به شرق بیش از آنکه بنیانی برای ایجاد توازن در روابط خارجی ایران باشد، تکیه به قدرتی دیگر برای رهایی از تهدیدهای ناشی از فشار قدرت‌های غربی است. این اعتماد و اتکا به شرق در سیاست خارجی ایران به‌علت بی‌توجهی به قواعد بین‌المللی و برداشت ناصحیح از شرایط پدید آمده و موجب شده است تا مرز توازن‌سازی بین شرق و غرب از میان برود. بی‌گمان نفی سلطه مفهومی کلی است و نمی‌توان در دورانی که وابستگی متقابل پیچیده میان همه کشورها وجود دارد، نفی سلطه را با مصداق خاص مدنظر داشت. در آن صورت چین، هندوستان، ژاپن، مالزی و بسیاری از کشورهای شرق و غرب ایران که تعامل گسترده با دولت‌های غربی دارند، زیر سلطه و وابسته به آنها قلمداد می‌شوند (رومی، ۱۳۹۹ الف: ۳۱۷-۳۱۸).

ج) در نهایت، اگر هدف از روابط با چین، هندوستان و روسیه مقابله با امریکا و رهایی از فشار دولت‌های غربی است، بی‌گمان این سیاست در بلندمدت ناکارآمد بوده و پاسخگوی اهداف ملی ایران نیست. از پایه، تأکید بر اتخاذ سیاست شرقی برای رویارویی با دولت‌های

غربی با واقعیت‌های محیطی جمهوری اسلامی سازگار نیست. موقعیت حساس و ژئوپلیتیک ایران که آن را در کریدور ارتباطی شمال و جنوب و نقطه اتصال آسیا و اروپا قرار داده و نیز مجاورت با ذخایر عظیم نفت و گاز سبب شده است تا این کشور اهمیتی ویژه در معادلات بین‌المللی داشته باشد. اگرچه برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیک در جهت تأمین منافع ملی می‌تواند نقش سازنده ایفا کند؛ اما این موقعیت ژئوپلیتیک، محدودیت‌ها و الزاماتی را نیز بر کشور دارنده آن تحمیل می‌کند که نادیده گرفتن آن حتی می‌تواند به بهای تغییر یک حکومت از سوی قدرت‌های جهانی تمام شود (میرفخرایی، ۱۳۹۳: ۷۳). همچنان‌که در گذشته موقعیت ممتاز جغرافیایی ایران در نظام بین‌الملل بیش از آنکه برای ایران قدرت‌آفرین باشد، اغلب تهدیدآفرین بوده است.

۷. نتیجه

در چارچوب نظریه نواقع‌گرایی، گرایش به اصل «نه شرقی، نه غربی» و راهبرد «نگاه به شرق» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تابعی از موقعیت و جایگاه نسبی قدرت ایران در نظام بین‌الملل آنارشیست و موازنه قوای منطقه‌ای است. در این نظریه از ویژگی‌های فردی تصمیم‌گیرندگان و گروه‌های فروملی صرف‌نظر شده و بر چگونگی واکنش جمهوری اسلامی ایران به محدودرات نظام‌مند در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای تأکید می‌شود. ساختار نظام بین‌الملل و قدرت‌های بزرگ استقلال عمل ایران و امکان استفاده از توانایی‌هایش در نظام جهانی را جهت می‌دهند. نظام چندقطبی نسبت به نظام دوقطبی اختیاری بیشتری برای بازیگران منطقه‌ای مانند ایران فراهم می‌سازد. نظام دوقطبی منعطف نیز در مقایسه با نظام تک‌قطبی آزادی بیشتری برای ایران فراهم می‌سازد. به همین سبب، جمهوری اسلامی ایران پیش از فروپاشی شوروی و پایان نظام دوقطبی در ۱۹۹۱، از آزادی عمل بیشتری برای پایبندی به اصل «نه شرقی، نه غربی» برخوردار بود تا در سال‌های پس از آنکه ایالات متحده به قدرت هژمون نظام بین‌الملل تبدیل شد.

تفسیر رادیکال از اصل «نه شرقی، نه غربی» در دهه نخست انقلاب برخی را واداشت تا مدعی شوند با استقلال در سیاست خارجی، دوقطبی بودن نظام جهانی را می‌شکند و جمهوری اسلامی زمینه‌ساز جریان سومی در نظام بین‌الملل خواهد بود. درحالی‌که ارائه یک گفتمان سلبی از رویکرد «نه شرقی، نه غربی» سبب شد که نه شرق و نه غرب تعامل سازنده با ایران نداشته باشند. پس از فروپاشی نظام دوقطبی نیز تجربه نشان داد که نگاه مطلق‌گرایانه به شرق مسئله‌ای شکننده برای منافع ملی ایران است. اگر شرق را به‌عنوان جایگزین غرب در نظر داشته باشیم، شاید در کوتاه‌مدت در حوزه تجاری پاسخگوی نیازهای داخلی ایران باشد، ولی

در موضوع توسعه و نیاز به سرمایه‌گذاری و فناوری‌های نوین و حل بحران‌های سیاسی و امنیتی به‌تنهایی جوابگو نیست، زیرا بیشترین تحریم‌ها و کشمکش‌های ایران چه در محیط ژئوپلیتیک و چه در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی با دولت‌های غربی و هم‌پیمانان منطقه‌ای آنهاست که تنها با نزدیکی به شرق حل‌شدنی نخواهد بود؛ همچنان‌که روسیه و چین بارها در شورای امنیت سازمان ملل از تحریم‌های بین‌المللی علیه تهران پیروی کرده‌اند. از این رو اگر ایران این سیاست را برای ایجاد جبهه‌ای در مقابل غرب تصور کند، در عمل در بلندمدت به اهداف خود دست نخواهد یافت، زیرا منافع این کشورها ایجاب می‌کند تا با هیچ کشوری در مقابل غرب همکاری راهبردی نداشته باشند. بنابراین اگرچه شرق در نظام بین‌الملل اثرگذاری رو به رشدی داشته است، اما مسائل غیرراهبردی، کشورهای در حال توسعه شرقی را به تقابل با غرب رهنمون نمی‌سازد (متقی و کرمی، ۱۳۹۷). همچنان‌که در سال‌های اخیر بسیاری از شرکت‌های چینی، هندی و ... از ترس مجازات وزارت خزانه‌داری آمریکا از تحریم‌های یکجانبه این کشور علیه ایران پیروی کرده‌اند.

به هر حال، اگر دوری از آرمان‌گرایی در عالم سیاست اجتناب‌ناپذیر باشد، اما نباید در تحلیل آشکار و بی‌رحمانه حقایق سستی کرد. سیاست نگاه به شرق از نظر رویارویی با تهدیدها و رفتارهای دشمنانه غرب و نیز بهره‌گیری در سیاست داخلی و صف‌آرایی در برابر غرب‌گرایان شاید نافع باشد، اما در بلندمدت برای کشوری با ویژگی‌های طبیعی، انسانی و اقتصادی ایران، گرایش کامل به یک بلوک نمی‌تواند تأمین‌کننده نیازها و اهداف ملی ایران باشد. ضمن آنکه همسویی آشکار با قدرت‌های غیرغربی پیامدهای داخلی هم داشته و چون در ایجاد توازن و کاهش تنش در سیاست خارجی و به تبع آن حل بحران‌های اقتصادی کشور مؤثر نبوده است، به تضعیف طبقه متوسط - به‌عنوان موتور پیشران جامعه - و تبدیل آنها به طبقه‌های فرودست منجر شده است. دستاورد آن شکل‌گیری جامعه‌ای دوقطبی متشکل از دو گروه ثروتمند و فقیر است که می‌تواند در گرداب آشفتگی‌های اجتماعی گرفتار شود. بنابراین در دنیای کنونی که اقتصاد، سیاست و امنیت درهم‌تنیده شده، توسعه‌یافتگی بدون ارتباط منطقی و سازنده با غرب و شرق ممکن نیست. از این رو روابط پایدار با همه ممالک پیشرفته باید بخش مهمی از اولویت‌های سیاست خارجی ایران باشد. گسترش روابط با روسیه و چین با حفظ استقلال و دوری از هرگونه وابستگی، تضادی با سیاست «نه شرقی، نه غربی» ندارد؛ همان‌طور که داشتن رابطه با غرب منوط به تحقق منافع ملی و پرهیز از وابستگی، با سیاست «نه شرقی، نه غربی» سازگار است. جناح‌های سیاسی داخلی نیز به‌جای نفی رابطه با این یا آن بلوک، باید بر نفی وابستگی به بیگانگان تأکید کنند و به این مسئله توجه داشته باشند که حتی اگر راهبرد «نگاه به شرق» را یک اقدام مصلحت‌آمیز برای رویارویی با فشارها و تحریم‌های

غرب ندانیم، توسعه پایدار کشور در نظام بین‌الملل کنونی در گرو بهبود مناسبات ایران با همه قدرت‌های جهانی در چارچوب منافع ملی است.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. ارغوانی پیرسلامی، فریبرز. (۱۳۹۴)، زمستان) «روابط ایران و چین در دوره احمدی‌نژاد: سیاست نگاه به شرق و تأثیرات ساختاری»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۸، ۳۲: ۴۱-۹. در: https://jqp.ut.ac.ir/article_88358_0a9618c55468fdec36e6043b1e8ca619.pdf (۱۴ خرداد ۱۴۰۱).
۲. احتشامی، انوشیروان. (۱۳۷۸) *سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی*، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی. تهران: مرکز انقلاب اسلامی.
۳. اختیاری، رضا؛ محبوبه صالحی. (۱۳۹۷)، تابستان) «پیامدهای سیاسی-اقتصادی توسعه روابط ایران و چین در چارچوب نگاه به شرق»، *مطالعات سیاسی*، ۱۰، ۴۰: ۱۰۲-۶۳. در: https://jourm.azadshahr.iau.ir/article_663613_a612bc0003bfe4eafe96ff763f5bb065.pdf
۴. آدمی، علی. (۱۳۸۹)، بهار) «راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: دیدگاه‌ها، زمینه‌ها و فرصت‌ها»، فصلنامه مطالعات سیاسی، ۲، ۷: ۱۲۶-۹۷. در: <http://ensani.ir/file/download/article/20120426161859-5099-44.pdf> (۲۳ اسفند ۱۴۰۰).
۵. بزرگر، کیهان؛ علی آدمی. (۱۳۸۹)، آذر) «تحلیلی راهبردی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: با تأکید بر نگاه به شرق و سازمان همکاری شانگهای»، *مطالعات سیاسی*، ۳، ۹: ۲۹-۱. در: https://jourm.azadshahr.iau.ir/article_535373_6ad118286664e758e24448dfcf50188a.pdf
۶. بصیری، محمدعلی؛ مختار شیخ‌حسینی. (۱۳۹۱)، تابستان) «بررسی انقلاب اسلامی ایران بر اساس رابطه ساختار کارگزار در تئوری‌های روابط بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۹، ۲۹: ۱۸۸-۱۶۱. در: <http://enghelab.maaref.ac.ir/article-1-1331-fa.html> (۱۷ اسفند ۱۴۰۰).
۷. ثقفی‌عامری، ناصر؛ افسانه احدی. (۱۳۸۶) *ایران و سیاست نگاه به شرق*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۸. حاجیلو، محمدحسین. (۱۳۹۶)، بهار) «شکندگی همکاری در فضای هژمونیک و نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *رهیافت انقلاب اسلامی*، ۱۱، ۳۸: ۸۸-۶۹. در: https://www.rahyaftjournal.ir/article_47839_f5cb3d90e79d1f6098463da98de2489d.pdf
۹. حاجی‌یوسفی، امیرمحمد. (۱۳۹۱) «چشم‌انداز سیاست خارجی ایران: تعامل یا تقابل؟»، در: *مجتبی مقصودی و غلامرضا حداد، ایران، سیاست و آینده‌شناسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۱۰. حاجی‌یوسفی، امیرمحمد. (۱۳۸۱، زمستان) «نظریه والتز و سیاست خارجی ایران: مطالعه مقایسه‌ای دوران جنگ سرد و پساجنگ سرد»، فصلنامه سیاست خارجی، ۱۶، ۴: ۱۰۳۰-۱۰۰۵. در: <http://ensani.ir/file/download/article/20101206194804-453.pdf> (۱۵ خرداد ۱۴۰۱).
۱۱. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۹۲) *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات سمت، ج ۵.
۱۲. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۹۱، خرداد) «نواقح‌گرایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، ۲۳، ۱: ۳۱-۵۴. در: http://fp.ipisjournals.ir/article_9333_2ab7796b8227facebfc0facec5c693eb.pdf (۱۳ خرداد ۱۴۰۱).
۱۳. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ منوچهر مرادی. (۱۳۹۴، فروردین) «امریکا و روابط جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۱، ۸۹: ۶۵-۹۱. در: http://ca.ipisjournals.ir/article_19758_642d43470c158376c751aa08653c38e0.pdf (۲ تیر ۱۴۰۱).
۱۴. رضانی، روح‌الله. (۱۳۹۵) *چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر نی، ج ۹.
۱۵. رومی، فرشاد. (۱۳۹۹ الف) *واکاوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر نارون دانش.
۱۶. رومی، فرشاد. (۱۳۹۹ ب) «بازشناسی جایگاه روسیه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، ۵۰، ۲: ۵۸۹-۶۱۰. <DOI: 10.22059/jpq.2020.264709.1007300>
۱۷. سجادیپور، محمدکاظم. (۱۳۸۳) *سیاست خارجی ایران، چند گفتار در عرصه‌های نظری و عملی*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ج ۲.
۱۸. سلطانی‌نژاد، محمد. (۱۳۹۵، تیر) «روابط ایران و هند: تحلیلی بر یک مشارکت استراتژیک ناتمام»، فصلنامه روابط خارجی، ۸، ۲: ۱۱۵-۱۴۱. <DOI: 20.1001.1.20085419.1395.8.2.5.1>
۱۹. شفیع‌ی، نوذر؛ زهرا صادقی. (۱۳۸۹) «گزینه‌های ایران در روابط خارجی بر اساس سیاست نگاه به شرق»، راهبرد یاس، ۲۲: ۳۳۷-۳۰۹. در: <https://ensani.ir/file/download/article/20120504170519-9018-26.pdf>
۲۰. صیادی، هادی؛ اردشیر سنایی. (۱۳۹۶) «عوامل ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر تغییر نگاه سیاست خارجی ایران از غرب به شرق با تأکید بر روسیه بین سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۹۱»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۱۰، ۳۹: ۸۳-۱۱۷. در:
- https://prb.ctb.iau.ir/article_535773_449c90c8ed187b5779c5eef7ac88dae1.pdf (۲ تیر ۱۴۰۱).
۲۱. متقی، ابراهیم؛ جهانگیر کرمی. (۱۳۹۷، مرداد ۲) «میزگرد نگاه به شرق»، خبرگزاری تسنیم. در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397/05/02/1783312/> (۱۵ خرداد ۱۴۰۱).
۲۲. میرفخرایی، سیدحسن. (۱۳۹۳، بهار) «سیاست خارجی دولت موقت: از عدم‌تعهد تا اصل نه شرقی، نه غربی»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۳، ۸: ۶۱-۸۱. در: https://qpss.atu.ac.ir/article_151_709557f0cf09d141e0ab2d3966582d05.pdf (۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۱).
۲۳. نوازی، بهرام. (۱۳۸۴) «تیبینی بر نه شرقی، نه غربی»، مجله زمانه، ۴۲-۴۱: ۶۵-۷۰. در: <https://ensani.ir/fa/article/11657/>

ب) انگلیسی

24. Ehteshami, Anoushiravan; and Gawdat Bahgat (2019) "Iran's Asianisation Strategy," in Annalisa Perteghella, ed. *Iran Looking East. An Alternative to the EU*. Milan: Ledizioni Ledi Publishing. Available at: https://www.ispionline.it/sites/default/files/pubblicazioni/isp_iiran_looking_web.pdf#page=11 (Accessed 12 August 2022).
25. Ehteshami, Anoushiravan. (2022, February) "Asianisation of Asia: Chinese-Iranian Relations in Perspective." *Asian Affairs* 53, 1: 8-27, <DOI: 10.1080/03068374.2022.2029037>.
26. Fan, Hongda. (2022, February) "China-Iran Relations from the Perspective of Tehran's Look East Approach." *Asian Affairs* 53, 1: 51-67, <DOI: 10.1080/03068374.2022.2029053>.
27. Forough, Mohammadbagher. (2020) "Iran and China: Ideational Nexus Across the Geography of the BRI," in Azadeh Zamirirad, ed. *Forced to Go East? Iran's Foreign Policy Outlook and the Role of Russia, China, and India*. Berlin: Stiftung Wissenschaft. Available at: https://www.swpberlin.org/publications/products/arbeitspapiere/Working_Paper_FG06_01-2020_Forced_to_Go_East_Zamirirad.pdf#page=38 (Accessed 6 September 2021).
28. Heiran-Nia, Javad. (2022, May) "How Iran's Interpretation of the World Order Affects its Foreign Policy," *Atlantic Council (atlanticcouncil.org)*. Available at: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/how-irans-interpretation-of-the-world-order-affects-its-foreign-policy> (Accessed 30 July 2022).
29. Hunter, Shirin T. (2010) *Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era*. Westport, CT and London, UK: Praeger.
30. International Institute for Strategic Studies (IISS). (2018, November) "Iran's Eastern Strategy," *Strategic Comments* 8, 9: 9-24. Available at: <https://www.iiss.org/publications/strategic-comments/2018/irans-eastern-strategy> (Accessed 30 July 2022).
31. Kumaraswamy, Peter R. (2020) "Indo-Iranian Relations and the Role of External Actors," in Azadeh Zamirirad, ed. *Forced to Go East? Iran's Foreign Policy Outlook and the Role of Russia, China, and India*. Berlin: Stiftung Wissenschaft. Available at: https://www.swpberlin.org/publications/products/arbeitspapiere/Working_Paper_FG06_01-2020_Forced_to_Go_East_Zamirirad.pdf#page=38 (Accessed 7 September 2021).
32. Saraswat, Deepika. (2018, October) "Iran's Look to the East Policy: Reconciling Foreign Policy Independence and Economic Integration," *Indian Council of World Affairs*. Available at: https://www.icwa.in/show_content.php?lang=1&level=3&ls_id=4823&lid=2826 (Accessed 7 April 2022).
33. Therme, Clément. (2019, February) "Iran's "Neither East, Nor West" Slogan Today," *Istituto per gli Studi di Politica Internazionale (ispionline.it)*. Available at: <https://www.ispionline.it/it/pubblicazione/irans-neither-east-nor-west-slogan-today-22234> (Accessed 7 July 2022).

ج) روسی

34. Кожанов, Николай. (2016, май) "Перспективы российско-иранского регионального сотрудничества," Журнал "Россия в глобальной политике. май/июнь 16, 3: 62-79. Available at: <https://globalaffairs.ru/articles/brak-porraschetu/> (Accessed 9 July 2022).



Research Paper

Transition in Strategic Priorities of the Islamic Republic Foreign Policy: From “Neither East, Nor West” to “Look to the East”

Farshad Roomi*

Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Economics and Social Sciences, Shahid Chamran University of Ahvaz, Khuzestan, Iran. Email: roomi@scu.ac.ir

Abstract

The geographical, cultural, and economic position of contemporary Iran has invariably induced the ruling elites to adopt the logic of balance in the international politics to preserve national independence and interests against external powers. This is a logic that enables the containment of one aggressive and expansionist state through the expansion of cooperation with its rival or adversarial states—relying on the protagonists (the relatively good guys) to deter the antagonists (the bad guys). The conduct and direction of foreign relations of Iran have changed substantially since the overthrow of the pro-western monarchy. With the victory of the 1979 Islamic Revolution, the perception of Iran's foreign policy makers of the nature of the international system changed, and attentively opposing foreign domination became the main component of foreign policy formulation. A clear transition in Iran's foreign policy orientations is evident in its relations with the great powers. The Pahlavi regime's policy of looking to the West, the post-revolution policies of rejecting both the West and the East, and the consideration of looking to the East policy by the current foreign policy makers in Iran could be explained by this logic. The policy of “neither East, nor West, but the Islamic Republic” was introduced during the anti-Pahlavi protests and was founded on the revolutionary ideal of “Independence, Liberty, the Islamic Republic” in 1979. The slogan of “neither East, nor West- but the Islamic Republic” (*nah sharqi, nah gharbi- amā Jomhourī-e eslāmī-i*) was recognized as a key principle to guide foreign policy goals and behaviors in Article 152 of the Constitution of the Islamic republic of Iran (IRI).

* **How to Cite:** Roomi, Farshad. (2023, Spring) “Transition in Strategic Priorities of the Islamic Republic Foreign Policy: From ‘Neither East, Nor West’ to ‘Look to the East’,” *Fasl' nāmeḥ-ye siyāsāt (Politics Quarterly)* 53, 1: 135-161, DOI: <https://doi.org/10.22059.JPQ.2023.338468.1007916>

Manuscript received: 22 October 2022; final revision received: 17 January 2023; accepted: 24 April 2023, published online: 14 June 2023



Historically, the mantra of “neither East, nor West” has been activated whenever bipolarity gains momentum in the international system, and small and medium powers had no choice for the preservation of their national interest than joining either one of the two superpowers of the East or West. The “neither East, nor West” policy rejected the alliance with the superpowers and called for neutrality since it was argued that both superpowers had been in favor of maximizing their own powers at the expense of the rest of global community. The history has shown that their first priorities had been their national interest. As a result, the two power blocs have been conceived to be similar and on the same side of one global arrogance which repeatedly ignored the rights of the oppressed. With such a pessimistic view, the Islamic Republic of Iran rejected dependence on either of the world powers and opted for self-reliance in foreign relations. With the end of the Cold War, the fall of the Soviet Union, and the hope for multipolarity in international system, this foreign policy outlook of the Islamic Republic was somehow moderated. The IRI actively entered the global political equations as a regional power.

Using the theoretical framework of neorealism, the author attempts to find answers to the following two research questions: 1. To what extent have the main principles that guided Iran's foreign policy changed? 2. What domestic and external factors led to the change in Iran's foreign policy from the “Neither East nor West” to the “Look to the East” policy? In the research hypothesis, it is argued that the new international security environment that emerged with the transformation of the nature of the international system after the fall of the USSR and the end of the Cold War as well as the anti-Iran US-imposed sanctions forced Iranian leaders to gradually revise the foreign policy of “Neither West, Nor East” calling for rejecting dependence on the great powers to the “Look to the East” policy.

To find answers to the research questions, the author draws on policy statements made by Iranian government officials, formal document analysis, and the evidence provided in the works of analysts and theorists who have tried to explain Iran's post-revolution foreign policy. To elaborate on the core factors which influence the making of foreign policy of Iran, he emphasizes the escalation of US-Iran tensions, Iranian leaders' determination to challenge the US hegemony and unilateralism, and the deterioration of East-West relations that increased the chances of forming a united front against the Western domination with help of the great Eastern powers. Iran's foreign policies at different post-revolution time-periods—particularly the three policies of moderate revolutionism, *'uma'garai* of supporting Muslims and liberation movements, and finally pragmatism—are analyzed. In conclusion, it is argued that the success of Iran's foreign policy requires a proper degree of accommodation and normalization of relations with the West based on mutual respect, shared interests, and multilateralism to avoid disproportionate, one-sided dependence on the East, which would lead to perilous limitation on Iran's choices in foreign policy.

Keywords: Balanced Foreign Policy, Dependency, the Eastern Powers, Islamic Republic of Iran, National Interests

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

References

- Adami, Ali. (2012, Spring) "Rahbor-e negāh b shargh dar siyāsāt-e khārejī-ye jomhouri-e eslāmī-'i Īrān (The Strategy toward East in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran)," *Fasl'nāmeḥ-ye motāleāt-e siyāsī (Political Studies Quarterly)* 2, 7: 97-126, Available at: <http://ensani.ir/file/download/article/20120426161859-5099-44.pdf> (Accessed 14 March 2022) [in Persian]
- Arghavani Pirsalami, Fariborz. (2016, March) Ravābet-e Īrān va chin dar doreh-ye Ahmadinezhad: siyāst-e negāh b shargh va tasirāt-e sākhtāri (Iran-china Relations under Ahmadinejad: The Look to East Policy and Structural Implications)," *Fasl'nāmeḥ-ye motāleāt ravābet-e bein'ol-melal (International Relations Studies Quarterly)* 8, 32: 9-41, Available at: https://jfq.ut.ac.ir/article_88358_0a9618c55468fdec36e6043b1e8ca619.pdf (Accessed 4 June 2022). [in Persian]
- Barzegar, Kayhan; and Ali Adami. (2010, December) "Tahlili tārikhi dar siyāsāt-e khārejī-'i jomhuri-'i eslāmī-'i Īrān: bā takid bar negāh b shargh va sāzemān-e hamkāri'hā-ye shānghāi (A Strategic Analysis of the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, with an Emphasis on 'Look to the East' and the Shanghai Cooperation Organization)," *Motāleāt-e siyāsī (Political Studies)* 3, 9: 1-29. Available at: https://journ.azadshahr.iau.ir/article_535373_6ad118286664e758e24448dfcf50188a.pdf (Accessed 23 July 2022). [in Persian]
- Basiri, Mohammadali; and Mokhtar Sheikh Husseini. (2012, Summer) "Investigating Islamic Revolution of Iran based on Agency-Structure in the International Relations Theories," *Motāleāt-e enghelāb-e eslāmī (Journal of Islamic Revolution Studies)* 9, 29: 161-188. Available at: <http://enghelab.maaref.ac.ir/article-1-1331-fa.html> (Accessed 18 March 2022). [in Persian]
- Dehghani Firouzabadi, Seyyed Jalal. (2013) *Siyāsāt-e khārejī-ye jomhouri-e eslāmī-'i Īrān (Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran)*. Tehran: Samt, 5th ed. [in Persian]
- . (2012, May) "No'vāgheh'garāi va siyāsāt-e khārejī-ye jomhouri-e eslāmī-'i Īrān (Neorealism and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran)," *Fasl'nāmeḥ-ye siyāsāt-e khārejī (Journal of Foreign Policy)* 23, 1: 31-54. Available at: http://fp.ipisjournals.ir/article_9333_2ab7796b82_27facebfc0facec5c693eb.pdf (Accessed 3 June 2022). [in Persian]
- Dehghani Firouzabadi, Seyyed Jalal; and Manocher Moradi. (2015, March) *Āmrika va jomhouri-e eslāmī-'i Īrān va fedrāsiun-e rosiyeh (The United States and Iran-Russia Relations)*," *Fasl'nāmeḥ-'i āsiyā-'i markazī va ghafghāz (Central Asia and the Caucasus Studies)* 21, 89: 65-91.

- Available at: http://ca.ipisjournals.ir/article_19758_642d43470c158376c751aa08653c38e0.pdf (Accessed 23 June 2022). [in Persian]
- Ehteshami, Anoushiravan. (1999) *Siyāsāt-e khārejī-ye Īrān dar dorān-e sāzandegi (After Khomeini: The Iranian Second Republic)*, trans. Ibrahim Mottaghi and Zohreh Postinchi. Tehran: Islamic Revolution Document Center. [in Persian]
- . (2022, February) “Asianisation of Asia: Chinese-Iranian Relations in Perspective,” *Asian Affairs* 53, 1: 8-27, <DOI: 10.1080/03068374.2022.2029037>.
- Ehteshami, Anoushiravan; and Bahgat Gawdat. (2019) “Iran’s Asianisation Strategy,” in Annalisa Perteghella, ed. *Iran Looking East. An Alternative to the EU*. Milan: Ledizioni Ledi Publishing. Available at: https://www.ispionline.it/sites/default/files/pubblicazioni/isp_iiran_looking_web.pdf#page=11 (Accessed 12 August 2022).
- Ekhtiyari, Reza; and Mahbobeh Salehi. (2018, Summer) "Payāmad’hā-ye siyāsi-eghtesadi-ye tose’-ye ravābet-e Īrān va chin dar chār’chob-e negāh b Shargh (Political-Economic Consequences of the Development of Iran-China Relations in the Framework of ‘Look to the East’)," *Motāleāt-e siyāsi (Political Studies)* 10, 40: 102-63. Available at: https://journ.azadshahr.iau.ir/article_663613_a612bc0003bfe4eafe96ff763f5bb065.pdf (Accessed 30 July 2022). [in Persian]
- Fan, Hongda. (2022, February) “China–Iran Relations from the Perspective of Tehran’s Look East Approach,” *Asian Affairs* 53, 1: 51-67, <DOI: 10.1080/03068374.2022.2029053>.
- Forough, Mohammadbagher. (2020) “Iran and China: Ideational Nexus Across the Geography of the BRI,” in Azadeh Zamirirad, ed. *Forced to Go East? Iran’s Foreign Policy Outlook and the Role of Russia, China, and India*. Berlin: Stiftung Wissenschaft. Available at: https://www.swpberlin.org/publications/products/arbeitspapiere/Working_Paper_FG06_01-2020_Forced_to_Go_East_Zamirirad.pdf#page=38 (Accessed 6 September 2021).
- Haji Yousefi, Amir Mohammad. (2012) Chashm’andāz-e siyāsāt-e khārejī-ye Īrān: ta’āmol yā taghābol? (Perspective of Iran's Foreign Policy: Interaction or Confrontation?)" in Mojtaba Maghsoodi and Gholamreza Haddad, eds. *Iran, Politics and Future Studies*. Tehran: Markaz-e nashr-e dāneshgāhi. [in Persian]
- . (2003, Winter) “Nazarieh-ye waltz va siyāsāt-e khārejī-ye Īrān: motāle’h moghāyes’ī dorān-e jang-e sard va pasā’jang-e sard (Waltz's Theory and Iran's Foreign Policy: A Comparative Study of the Cold War and Post-Cold War Eras),” *Fasl’nāmeḥ-ye siyāsāt-e khārejī (Journal of Foreign Policy)* 16, 4: 1005-1030. Available at: http://ensani.ir/file/download/article/20101206194_804-453.pdf (Accessed 18 March 2022). [in Persian]
- Hajilo, Mohammad Hossein. (2017, Spring) "Shekenandegi-ye hamkāri dar fazāye hezhemonik va negāh b shargh dar siyāsāt-e khārejī-’i jomhuri-’i eslāmī-’i Īrān (The Fragility of Cooperation in the Hegemonic Space and ‘Look to the East’ in the Islamic Republic of Iran’s Foreign Policy)," *Rahyāft-e enghelāb-e Īslāmi (Islamic Revolution Approach)* 11, 38: 88-69. Available at: <https://www.rahyaftjournal.ir/>

- article_47839_f5cb3d90e79d1f6098463da98de2489d.pdf (Accessed 23 July 2022). [in Persian]
- Heiran-Nia, Javad. (2022, May) "How Iran's Interpretation of the World Order Affects its Foreign Policy," *Atlantic Council* (atlanticcouncil.org). Available at: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/how-irans-interpretation-of-the-world-order-affects-its-foreign-policy> (Accessed 30 July 2022).
- Hunter, Shirin T. (2010) *Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era*. Westport, CT and London, UK: Praeger.
- International Institute for Strategic Studies (IISS). (2018, November) "Iran's Eastern Strategy," *Strategic Comments* 8, 9: 9-24. Available at: <https://www.iiss.org/publications/strategic-comments/2018/irans-eastern-strategy> (Accessed 30 July 2022).
- Кожанов, Николай (Kozhanov, Nikolai). (2016, May/June) "Перспективы российско-иранского регионального сотрудничества (Prospects for Russian-Iranian Regional Cooperation)," *Журнал "Россия в глобальной политике"*. май/июнь (*Journal of Russia in Global Affairs*) 16, 3: 62-79. Available at: <https://globalaffairs.ru/articles/brak-porashetu/> (Accessed 9 July 2022). [in Russian]
- Kumaraswamy, Peter R. (2020) "Indo-Iranian Relations and the Role of External Actors," in Azadeh Zamirirad, ed. *Forced to Go East? Iran's Foreign Policy Outlook and the Role of Russia, China, and India*. Berlin: Stiftung Wissenschaft. Available at: https://www.swpberlin.org/publications/products/arbeitspapiere/Working_Paper_FG06_01-2020_Forced_to_Go_East_Zamirirad.pdf#page=38 (Accessed 7 September 2021).
- Mirfakhraei, Seevd Hasan. (2014, Spring) "Siyāsāt-e khārejī-ye dolat-e movaghat: az adam-e ta'ahod tā asl-e na sharghi, na gharbi (Provisional Government's Foreign Policy: From Non-Alignment to 'Neither West, Nor East' Principle)," *Fasl'nāmeḥ-ye pajohesh'ha-ve rāhbordi-ye siyāsāt* (*Strategic Policy Research Quarterly*) 36, 8: 61-81. Available at: https://qpss.atu.ac.ir/article_151_709557f0cf09d141e0ab2d3966582d05.pdf (Accessed 5 May 2022). [in Persian]
- Mottaghi, Ebrahim; and Jahangir Karmi. (2018, July 24) "Miz-e gerd: negāh b shargh (A Roundtable: The Look to the East Policy)," *Tasnim News Agency*. Available at: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397/05/02/1783312> (Accessed 5 June 2022). [in Persian]
- Nawazani, Bahram. (2005) "Tabini bar na sharghi, na gharbi (An Explanation of Neither East, nor West)," *Zamāneh Magazine* 42-41: 70-65. Available at: <https://ensani.ir/fa/article/11657> (Accessed 30 July 2022). [in Persian]
- Ramezani, Ruhollah. (2015) *Chār'chobi tahlili barā-ye barresi-ye siyāsāt-e khārejī-ye jomhouri-e eslāmī-'i Irān* (*An Analytical Framework for Evaluating the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*). Tehran: Ney, 9th ed. [in Persian]
- Roomi, Farshad. (2020a) *Vākāvi-ye siyāsāt-e khārejī-ye jomhouri-e eslāmī-'i Irān* (*Analyzing Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*). Tehran: Narvan Danesh. [in Persian]

- . (2020b) Bāz'shenāsi-ye jāyegāh-e russieh dar siyāsāt-e khārejī-'i jomhuri-'i eslāmī-'i Īrān (Identification of Russia's Position in Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran).” *Fasl'nāmeḥ-ve siyāsāt (Politics Quarterly)* 50, 2: 589-610, <DOI: 10.22059/jpq.2020.264709.1007300>. [in Persian]
- Saghafi Ameri, Nasser; and Afsaneh Ahadi. (2007) *Īrān va siyāsāt-e negāh b shargh (Iran and the Look to the East Policy)*. Tehran: Center for Strategic Research. [in Persian]
- Sajjadpour, Mohammad Kazem. (2004) *Siyāsāt-e khārejī-ye Īrān: chand goftār dar arseh'hā-ye nazari va amalī (Iran's Foreign Policy. Some Topics in Theoretical and Practical Area)*. Tehran: Institute for Political and International Studies. [in Persian]
- Saraswat, Deepika. (2018, October) “Iran's Look to the East Policy: Reconciling Foreign Policy Independence and Economic Integration,” *Indian Council of World Affairs (icwa.in)*. Available at: https://www.icwa.in/show_content.php?lang=1&level=3&ls_id=4823&lid=2826 (Accessed 7 April 2022).
- Sayadi, Hadi; and Ardeshir Sanaei. (2017, December) (Geopolitical Factors Influencing The Change in Iran's Foreign Policy Outlook from the West to the East with an Emphasis on Russia between 1991 and 2001).” *Fasl'nāmeḥ-ve motālē'āt ravābet-e bein'ol-melal (International Relations Studies Quarterly)* 10, 39: 83-117. Available at: https://prb.ctb.iau.ir/article_535773_449c90c8ed187b5779c5eef7ac88dae1.pdf?lang=en (Accessed 23 June 2022). [in Persian]
- Shafii, Nozar; and Zahra Sadeghi. (2010) “Gozineh'hā-ye Īrān dar ravābet-e khāreji bar asās-e siyāsāt-e negāh b Shargh (Iran's Options in Foreign Relations on the Basis of ‘Look East’ Policy),” *Rāhbord-e yās (Yas Strategy)* 22: 337-309, Available at: <https://ensani.ir/file/download/article/20120504170519-9018-26.pdf> (Accessed 30 July 2022). [in Persian]
- Soltaninejad, Mohammad. (2016, June) “Ravābet-e Īrān va hend: tahlili bar vek moshārekāt-e strātegic-e nātāmām (Iran and India: An Analysis of the Unfulfilled Strategic Partnership),” *Fasl'nāmeḥ-ve ravābet-e khārejī (Foreign Relations Quarterly Journal)* 8, 2: 115-141, <DOI: 20.1001.1.20085419.1395.8.2.5.1>. [in Persian]
- Therme, Clément. (2019, February 8) “Iran's "Neither East, Nor West" Slogan Today,” *Istituto per gli Studi di Politica Internazionale (ispionline.it)*. Available at: <https://www.ispionline.it/it/pubblicazione/irans-neither-east-nor-west-slogan-today-22234> (Accessed 7 July 2022).



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.